بزرگی من از پارس آرم به ری ا ۱۳۴۵ برافرازم اندر جهان داد را ا من از تخمه ی نامور آرشما نبیره جهانجوی گرگین منم! به ۱ ایران بر آن آ رای بُد۱ ساوه شاه کند با زمین ۱۱ راست آتشکده ۳۵۰ همه بنده ۱۱ بودند ۱۵ ایرانیان تو خودکامه را ۱۹ گر ندانی ۲۰ شمار ز پیلانِ جنگی هزارودویست هزیمت گرفت آن سپاوِ بزرگ چنان دان ۲۰ که کس بی هنر در جهان چنان دان ۲۰ که کس بی هنر در جهان اگر با تو یک پشه ۲۸۰ کین آورم ۲۹۰ اگر با تو یک پشه ۲۸۰ کین آورم ۲۹۰ اور به ۲۵۰ اور ۲۹۰ اور ۲۵۰ اور ۲۸۰ ۱۸۰ اور ۲۸۰ ۱۸۰ اند به ۱۸۰ اند به ۱۸۰ اند به ۱۸۰ اند به ۱۸۰ اند از به ۱۸۰ اور ۲۸۰ ۱۸۰ اند به ۱۸۰ انداز به ۱۸۰ اند به ۱۸۰ انداز به ۱۸۰ ا

بدو گفت خسرو که ای شومهی^{۳۰} که اندر جهان یاد^{۳۲} تختش^{۳۲۲} نبود!

نمانم کزین پس بود نام کی!

کنم تازه آیین میلاد را آ!

چو جنگ آورم آتشِ سرکشم!

همان آتشِ تیز بُرزین منما

که نه تخت ماند، نه مُهر و کلاه،

نه نوروز ماند ۱۲، نه جشنِ ۱۳ سده!

برین ۱۶ بوم تا من ۱۷ بیستم ۱۸ میان!

برو چارصد بار بشمَر هزار!

که گفتی که بر راهبر جای ۲۱ نیست!

من از پس خروشان چوشیر ۲۲ شترگ ۱۲۳

به خیره نجوید ۲۵ نشستِ مهان!

همی ۲۶ تخت عاج آید از خنجرم ۱۲۰

ز تخت به روی زمین آورم ۱۲۹

چرا یاد گرگین نگیری^{۳۱} به ری، بزرگی و اورنگ و بختش^{۳۲} نبود!

سپاه جهان پیش تیفم به رزم نیرزد به یک مرد بیرای و حزم (ق^۲: بود همچو میخواره در روز بزم)

۲۸ س۳: ذرّه ۲۹ ه.ق، ۲ (نیز بن، ق ۲ س۳، و سب): آورد؛ (بی: آورد ـ آورم)؛ متن علی، س۳، س۳؛ پاین بیت را ندارد؛ س در اینجا سر نو پس دارد: پاسخ دادن خسرو بهرام را ۳۰ س.ک (نیز ق ۲٪: نیک پی؛ س۳؛ شیر پی؛ متن عدوازده دستنویس دیگر ۲۳ سی، ک (نیز ق ۳۰ آن به ۱۳۰۰): نکردی؛ متن علی دستنویس دیگر ۳۳ سدر بی و بی آن انیز نور، نکردی؛ متن علی بی تختش نقطه ندارد ۳۳ سرون تختش)؛ در ل، س، ۲۰ س۴ نیز ق ۲، ان ۲۰ سرف یکم بختش نقطه ندارد ۳۰ سرف در بی تختش نقطه ندارد ۳۰ سرف به در ان س، ۲۰ س۴ نیز ق ۳، ان ۲ سرف یکم بختش نقطه ندارد ۳۰ سرف به در ان س، ۲۰ س۳ در یک به به در سال ۲۰ س۳ دارد ۳۰ س۳ در سال ۲۰ س۳ در ۲۰ س۳ در سال ۲۰ س۳ در ۲۰ س۳ در سال ۲۰ س۳ در سال ۲۰ س۳ در سال ۲۰ س۳ در سال ۲۰ س۳ در سال